

## اخلاق پزشکی در میان طبیبان ایرانی و بازتاب آن در متون ادب پارسی

عزیز جوانپور هروی: گروه ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران  
حسن اکبری بیرق: گروه ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

E-mail: h.akbaribeiragh@gmail.com

دریافت: ۸۸/۱۲/۲۰ پذیرش: ۸۹/۲/۸

### چکیده

«اخلاق پزشکی» دانشی میان‌رشته‌ای است که موضوع آن مسائل و مباحث اخلاقی در حوزه علوم پزشکی است و در شاخه‌های مختلف علوم پزشکی به عنوان حرفه، پژوهش‌های پزشکی و سیاستگذاری نظام سلامت مطرح هستند. محتوای این مباحث از رشته‌های گوناگون دانش و معرفت بشری به اخلاق پزشکی وارد شده و در شکل‌گیری این حوزه از دانش دخیل بوده‌اند. در این میان، فلسفه اخلاق، حقوق، الهیات، فقه، ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و تاریخ، تأثیر و نقش بیشتری داشته‌اند. این شاخه از معارف بشری همچون دیگر مفاهیم در متون فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. از این جهت در این مقاله بازتاب اخلاق پزشکی در این متون کاویده می‌شود چرا که اخلاق یکی از زمینه‌های اصلی فرهنگ زبان فارسی است و بسیاری از این متون منعکس‌کننده علم و فلسفه آن می‌باشند. علم پزشکی در متون ادب فارسی از تقدس ویژه‌ای برخوردار بوده است. هدف از تحقیق حاضر، یافتن بازتاب اخلاق پزشکی میان طبیبان ایرانی، در متون دسته اول فارسی است و مؤلفان بر اساس روش استقرایی می‌کوشند، نشان دهند که متون فارسی نه تنها سرشار از پندها و اندرزهای اخلاقی است که بخشی از آن، دربرگیرنده ویژگی‌های اخلاقی طبیبان است. در سفارش‌های بزرگان ادب فارسی می‌توان نوع نگاه و اندیشه آنان را در باب اخلاق پزشکی بررسی کرد و نتیجه اخلاقی مورد نظر را بر مبنای آداب و سنن و عقیده شاعران و نویسندگان به دست آورد. خوانش این متون نشان می‌دهد که اخلاق طبیب در خلیفات و روایات او جمع می‌گردد و در این باب علاوه بر حسن برخورد با بیمار و اخلاق حسنه‌ای همچون رازداری و امانت و درستکاری، به رابطه مقابل پزشک و بیمار توجه زیادی شده است.

کلید واژه‌ها: اخلاق، اخلاق پزشکی، ادبیات فارسی

### مقدمه

اهمیت حفظ نفس انسانی مرتبط است، و با در نظر گرفتن کاربرد وسیع طب در سلامت انسان‌ها، تحقیقات فراوانی در این زمینه انجام شده است. از سویی دیگر، سابقه تخلفات فراوان از چارچوب‌های انسانی و اسلامی در تاریخ طب موجب پرننگ‌تر شدن نقش اخلاق در حوزه پزشکی شده، اهمیت آن را دوچندان می‌کند.

پیوستگی اخلاق و علم در حوزه‌های مختلف دانش، همواره به عنوان یک اصل مهم برای ارتقای مادی و معنوی بشر مطرح بوده است. در قلمرو علوم تجربی، خصوصاً علم طب نیز، از دیرباز اخلاق، جزئی لاینفک محسوب می‌شده است و عالمان طب در کنار پرداختن به مسائل پزشکی، توصیه‌های اخلاقی نیز داشته‌اند. با توجه به جایگاه علم طبابت که به شرافت وجود و

می‌توانیم خوب یا بد بودن آن کار را در نظر بگیریم، پس به تعبیر علمی‌تر، تمامی اعمالی که ما انجام می‌دهیم، پیرامون مفاهیم «خیر» و «ارزش» مطرح می‌شوند. به گفته افلاطون «خیر» برای فهم آدمی و هدایت رفتار او همانقدر ضرور است که آفتاب برای رشد و حیات. هر کاری که با انسان‌ها انجام می‌دهیم از کوچک و بزرگ برای محقق کردن خیر و ارزش است. از نظر او تنها راه کامیابی و نیکبختی جامعه، اخلاق‌مند کردن انسان‌هاست (۲).

تاریخچه آموزه‌های اخلاقی به ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. مطابق با آنچه در تاریخ ذکر شده است زرتشت، نخستین کسی است که به ارزش‌های والای اخلاقی اندیشیده و با زبانی آسمانی درباره آنها سخن گفته است (۳). از سوی دیگر، دستورهای مربوط به حفظ و صیانت از آزادی، کرامت انسان، اخلاق، آیین حکمرانی، آزادی مردم، احترام راستین به حقوق انسان‌ها و ادیان را در منشور کوروش کبیر به سال ۵۳۸ ق م. می‌بینیم (۴).

فلسفه اخلاق در قرن پنجم قبل از میلاد، در یونان با ظهور سقراط آغاز شد. او رسالت خود می‌دانست که پیروانش را به نتایج عقلی و عقاید و اعمالشان آگاه سازد. در یونان باستان بین نیکی و علائق و منافع شخصی مرزبندی مطلق نبود. آنها پذیرفته بودند که زندگی توأم با فضایل اخلاقی ممکن است مطلوب‌ترین راه نیل به پیشرفت مادی نباشد، اما تصور نمی‌کردند که ثروت و امکانات مادی، عامل اصلی یک زندگی خوب باشد. در آن زمان، دین در اخلاق مردم تأثیر زیادی نداشت چراکه دین یونانی مجموعه‌ای از مراسم جادویی بود و به اخلاق مربوط نمی‌شد. یونانیان این قرن، نمونه اخلاق ستوده نبودند. رشد فکری، بسیاری از آنان را نسبت به مسائل اخلاقی بی‌اعتنا ساخته و به صورت افرادی غیر اخلاقی در آورده بود. ۱۵۵ سال بعد از میلاد مسیح، رواقیون در روم مبنای فلسفی قانون روم را تشکیل دادند. آنها اعلام کردند که قانون باید با اصول اخلاقی توافق داشته باشد و جرم، به نیت در عمل وابسته است نه در نتایج حاصل از آن. دین کهن رومی از پاره‌ای لحاظ، اخلاقی بود و سرچشمه اخلاقیات و نظم و نیرو در فرد، خانواده و دولت بود (۵).

### اخلاق پزشکی

ارزش هر انسان، به اتصاف و آراستگی او به سجایا و اخلاق حسنه بستگی دارد. هدف از بعثت پیامبران الهی نیز تکامل اخلاقی بشری بوده است. حاکمیت اخلاق کریمه در جوامع انسانی نیز نشانه تعالی و تمدن واقعی آن جامعه تلقی می‌شود و در این میان پیشرفت‌های علمی بشر، زمانی برای نوع بشر مفید و ثمربخش است که از پشتوانه اخلاقی برخوردار باشد. علم و تخصص، بدون بهره‌مندی از اخلاقیات پاسخگوی نیازهای فطری بشر نبوده و گاهی نقض غرض است، زیرا هر نوع پیشرفت باید دارای جهت و هدف باشد و این اخلاق است که به پیشرفت علمی جهت و

از سوی دیگر، متون فارسی ما سرشار از مفاهیم اخلاقی و پند و اندرزهایی است که در طول تاریخ برای بشر مفید بوده، و راه‌های رسیدن به معرفت و کمال حقیقی را برای او هموار کرده است؛ از جمله این مفاهیم اخلاقی، توجه به اخلاق در پزشکی است و چه متون نظم و چه نثر؛ چه ادبی و چه تاریخی و علمی، همگی دربردارنده این مضامین هستند.

در تحقیق حاضر، سعی بر آن است که با بررسی متون فارسی، چه دیوان‌های شعری و چه متون منشور تاریخی و علمی، به بازتاب اخلاق پزشکی که در میان طبیبان ایرانی رواج داشته است پرداخته شود. از این طریق، با روش استقرایی، در خوانشی دوباره از این متون نشان خواهیم داد که سفارش‌های بزرگان ادب فارسی نوع نگاه و اندیشه آنان را در باب اخلاق پزشکی نشان می‌دهد که این نگاه، بر مبنای آداب و سنن و عقیده شاعران و نویسندگان آن آثار اسن. خوانش این متون نشان می‌دهد که اخلاق طبیب در خلیقات و روحيات او جمع می‌گردد و در این باب علاوه بر حسن برخورد با بیمار و اخلاق حسنه‌ای همچون رازداری و امانت و درستکاری، به رابطه متقابل پزشک و بیمار توجه زیادی شده است.

برای این منظور، پس از تعریفاتی کلی از مفهوم اخلاق، اخلاق پزشکی و مروری بر مبحث اخلاق در متون فارسی، این کتب و آثار را برای یافتن مضامینی در باره اخلاق پزشکی بررسی خواهیم کرد و سپس با ذکر نمونه‌هایی از آنها، بازتاب اخلاق پزشکی در میان طبیبان ایرانی را ذیل مؤلفه‌هایی همچون «حسن برخورد پزشکان و تأثیر آن در معالجه بیمار»، «رازداری»، «توجه کامل پزشک به کاستی‌ها و ضعفهای بیمار، اطرافیان و پزشکان دیگر»؛ «آگاهی کامل از بیماری و علم اصول طب»، «ارتباط پزشکان با بیماران»، «امانت و درستکاری»، و نشان خواهیم داد.

### تعریف اخلاق

اخلاق، در کتب لغت عبارت است از: خوی؛ جمع واژه خلق و آن مجموعه‌ای از قواعد و اصول است که آدمیان را در زندگی به کار می‌آید. دانش بررسی و ارزش‌گذاری برخی رفتارهای آدمی را نیز «علم اخلاق» نامیده‌اند و بدینسان مجموعه قواعدی که سلوک و رفتار پزشکان را با یکدیگر و با بیمار نشان می‌دهد «اخلاق پزشکی» گویند (۱).

قلمرو اخلاق از دو جنبه بسیار وسیع و فراگیر است:

۱- در زندگی هر فردی بر تمام جوانب زندگی او نفوذ دارد. به این معنا که در مورد هر کاری می‌توانیم بپرسیم «آیا این کار از لحاظ اخلاقی خوب است یا نه؟»

۲- به همه افراد مربوط می‌شود و مخصوص افراد خاصی نیست؛ یعنی هیچ انسانی نیست که برای او اصلاً مسأله خوب و بد بودن کارها مطرح نباشد.

بنابراین اخلاق یعنی تعیین ارزش همه فعالیت‌های زندگی؛ چراکه در هر یک از افعال ما یک جنبه اخلاقی وجود دارد. یعنی

هدف می‌بخشد. پیشرفت علمی عاری از مکارم و سجایای اخلاقی، در حقیقت حرکت در تاریکی است.

با توجه به تعاریفی که از اخلاق داشتیم قابل ذکر است که امروزه حضور این رشته را می‌توان در همه شاخه‌ها و مطالعات انسانی جستجو کرد و این مقوله جزء طبقه‌بندی‌های اساسی در تعاریف هر صنف و شغلی قرار دارد. در این مقاله، جان کلام، «اخلاق پزشکی» و اشاره به توصیه‌های خاص آن در متون ادب فارسی است.

«اخلاق پزشکی» دانشی میان‌رشته‌ای است که موضوع آن مسائل و مباحث اخلاقی در حوزه علوم پزشکی است و در شاخه‌های مختلف علوم پزشکی به عنوان حرفه، پژوهش‌های پزشکی و سیاستگذاری نظام سلامت مطرح هستند. محتوای این مباحث از رشته‌های گوناگون دانش و معرفت بشری به اخلاق پزشکی وارد شده و در شکل‌گیری این حوزه از دانش دخیل بوده‌اند. در این میان، فلسفه اخلاق، حقوق، الهیات، فقه، ادبیات، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و تاریخ، تأثیر و نقش بیشتری داشته‌اند.

باید گفت، پیش از آن که اخلاق پزشکی مفهومی نوین پیدا کند، در گذشته‌های دور میان حکما، فیلسوفان و طبیبان رایج بوده است؛ چنانکه فیلسوفان بزرگی چون سقراط، افلاطون و ارسطو از پیوند میان اخلاق و طب سخن گفته‌اند (۶). این متفکران یونانی، علم اخلاق را در کنار علم پزشکی فراگرفته بودند و آن را «هنر زیستن» و «مراقبت و مواظبت از نفس» توصیف می‌کردند. در همان دوران، بقراط (۳۸۰-۴۵۰ ق. م) سوگندنامه معروف خود را تنظیم کرد. بقراط اولین کسی بود که مبانی اخلاقی را در قالب قسم نامه با طبابت درآمیخت. سوگندنامه بقراط در حقیقت به منزله یک تعهدنامه اخلاق برای متون و به کار بستن اصول اخلاقی حرفه پزشکی محسوب می‌شد (۷).

برخی مسائل و پرسش‌ها در حوزه اخلاق پزشکی، سابقه‌ای دیرینه دارند و در متون کهن پزشکی نیز مورد توجه و بحث قرار گرفته‌اند؛ مانند سقط جنین و رابطه پزشک و بیمار. برخی دیگر به دنبال پزشکی مدرن پدید آمده‌اند و از توانایی‌ها و امکانات بی-سابقه‌ای که دانش و فناوری پزشکی نوین پیش روی بشر قرار داده ناشی می‌شوند؛ مانند پیوند اعضا و استفاده از سلول‌های بنیادی در معالجه و درمان. این قلمرو بسیار گسترده است؛ برای مثال می‌توان به مسائل اخلاقی در رابطه بیمار و پزشک، اخلاق در پژوهش‌های پزشکی، وظایف و مسئولیت‌های پزشک، حقوق و نقش بیمار در تصمیم‌گیری‌های پزشکی، مباحث حقوقی و اخلاقی در پیوند اعضا، عدالت در توزیع منابع، رضایت آگاهانه (۸)، اتانازی، سلامت و بیماری، مفهوم شخص، شأن و کرامت انسانی، شأن اخلاقی، مسائل اخلاقی در باروری و ناباروری، کمیته‌های اخلاق در پژوهش، مرگ مغزی و شاخصه‌های آن، شبیه‌سازی انسان، اهلیت و راه‌های تعیین آن، رهیافت مبتنی بر اصول، رهیافت مبتنی بر موارد الگو، رهیافت مبتنی بر نتایج، رهیافت مبتنی بر روایت،

رهیافت مبتنی بر مراقبت، پژوهش روی حیوانات، رهیافت وظیفه‌گرا، اخلاق در سیاستگذاری و تخصیص منابع محدود، اشاره کرد (۹).

به طور کلی، در عرصه پزشکی حرکت طب بر محور اخلاق بوده و پایه‌های آن بر مبانی اخلاق استوار است. کوشش برای نجات جان انسان‌ها و اعاده حیات و سلامت به آنان و درمان بیماری‌ها و تشفی و تسکین آلام درمندان و تلاش برای بقای نسل و سالم‌سازی محیط انسانی، خود از ارزش‌های اخلاقی است. جلوه‌گاه این کرامت اخلاقی در دنیای پزشکی در مرحله حساس و سرنوشت‌ساز برخورد پزشک با بیمار است. هرقدر این برخورد انسانی، اخلاقی، عاطفی و احترام‌آمیز باشد، حصول آرمان‌های مقدس پزشکی و امنیت روانی و جسمی بیمار و رضایت خاطر او و اطرافیانش قطعی‌تر خواهد بود.

ممکن است پزشک از دیدگاه علمی و فنی به وظیفه خود عمل و حتی بیمار را معالجه کند؛ لیکن عدم مراعات جنبه‌های اخلاقی و انسانی در برخورد با بیمار، او را از هدف عالی پزشکی دور می‌کند و کوچکترین غفلت، مسامحه و لغزش از موازین اخلاقی و وجدانی و بی‌احترامی نسبت به بیمار و اطرافیانش موجب عدم امنیت خاطر، تکدر و آشفتگی روحی بیمار و سلب اعتماد او از پزشک معالج می‌گردد.

به نظر می‌رسد این مهم، یعنی نحوه برخورد پزشکان با بیماران، باید سرلوحه خدمات پزشکی قرار گیرد تا از رهگذر این اصول به اهداف متعالی پزشکی - که نجات جان و مداوا و حفظ حیات و سلامت آنان و ایجاد امنیت جسمی و روانی افراد جامعه و جلب رضایت مردم و لازمه رضایت خالق است - محقق گردد.

### اخلاق در متون فارسی

اخلاق، یکی از زمینه‌های اصلی فرهنگ فارسی زبان ایران است. از محتوای متون اخلاقی چنین برمی‌آید که در این متون با سستی اخلاقی روبه‌رویم و برای فهم آن باید کل مجموعه آن را در نظر گرفت و از هیچ متنی فروگذار نکرد. برای بررسی درست این سنت، بازشناسی اجزای آن لازم است و هر یک از این متون نیز منعکس‌کننده تعدادی از همین اجزاست.

از اواخر قرن پنجم ه. ق. / یازدهم م.، تدوین سلسله درخشانی از رسائل اخلاقی سستی آغاز می‌شود که همگی ریشه در مسائل اخلاقی مطروحه در اندرزننامه‌ها دارند. در این رسائل نقش ادبی رفته‌رفته گسترش می‌یابد و در آثار سعدی به اوج می‌رسد. اخلاق نظام‌وار یا فلسفی که از طبقه‌بندی فلاسفه نشأت می‌گیرد، از اواخر قرن ششم ه. ق. / دوازدهم م. به منصه ظهور می‌رسد. این نوع اخلاق علی‌رغم پیوستگی با اخلاق سستی، ویژگی خود را در تنظیم کلی مطالب در اطراف سه موضوع اخلاقی باز یافته است: فرد، خانواده، پادشاه و کشورش. یکی از عوامل مهم در تازگی و اصالت فرهنگ ایرانی که اخلاق و در نهایت نحوه زندگی در آن

توجه ما را به خود جلب می‌کند، پیوستگی آن به گذشته و واکنش نسبت به آن است.

اندرزنامه‌ها از قدیم‌ترین صورت‌های آثار اخلاقی است. کتاب ششم دینکرت، یکی از کتب بیست و یک‌گانه اوستای ساسانی با ترجمه پهلوی و متون هفده‌گانه خردنامه نیز از ادبیات اندرزآمیز زبان پهلوی بهره برده‌اند. در اینجا بی‌فایده نیست اگر به برخی از ویژگی‌های اخلاقی موجود در متون فارسی در دوره مورد بحث اشاره شود. این اخلاق مبتنی بر اندرز است و اندرز اصولاً به انسان بالغ و بخصوص به شخص اول جامعه یعنی پادشاه خطاب شده است. اندرز، شکل ابتدایی بیان متقاعدکننده اخلاقی است زیرا انسان را به اندیشیدن و بویژه به نتیجه اعمال فرا می‌خواند. فرض اندرز بر آن است که زندگی اخلاقی به قوای نفس، ساختار تازه می‌بخشد. به علاوه باید در نظر داشت که اخلاق مبتنی بر اندرز در پی تنظیم رفتارهای درست اجتماعی نیز هست و این خود یکی از معانی لفظ «ادب» است. تنظیم رفتار یعنی سرکوب آنچه مورد قبول نیست یا آنچه جامعه نادرست پنداشته است. مثلاً گفته می‌شود که: «آنچه نباید، نشاید»، در اینجا آنچه اهمیت دارد خوب جلوه کردن است یعنی آنچه قرار گرفتن در جامعه را ممکن می‌سازد. اندرز، همچون «ادب» به داوری خوب جامعه نظر دارد. به عبارت دیگر هدف، بیداری اندیشه است؛ نخستین عمل اخلاقی، اراده اندیشیدن است و نخستین خطا، کمبود این اراده و در نتیجه بی‌توجهی است. مسائل اخلاقی در اندرزها نظر به عمل دارد و پیش‌گیرنده است. این اخلاق به معنی کاربرد احکام با توجه به موقعیت‌های مختلف و یا سنجش موارد پس از واقع شدن آنها نیست؛ بلکه در بُعد کلی، آن را از هر تصمیم اخلاقی فردی مستقل می‌سازد. محتوای آن مورد قبول همگان است و بیانش به قدمت فرهنگ. برای مثال این اندرز: «هر انسانی را برتر از خودت بدان». تازگی بالقوه این عبارت در آن است که در موقعیتی که عمل کردن به این اندرز ضرور است، محتوای آن ناگهان در ذهن از نو شکفته می‌شود و این همان «بازآفرینی» است.

از نظر اخلاق استفاده نابجا از سخن محکوم است. آثار اخلاقی به نیروی سخن کاملاً واقف بوده‌اند و همچون سنت‌های یهودی و یونانی، کمال انسانی را با کمال سخنوری محک زده‌اند. در نظر آنان اخلاق همواره به حیطة عقل تعلق داشته است؛ لذا عقل، هنگامی که با عمل مربوط است، فضیلتی اخلاقی محسوب می‌شود.

### اهمیت علم پزشکی در متون ادب فارسی

در ادب فارسی نام بزرگان در حیطة علوم همراه واژه «حکیم» به چشم می‌خورد. در قدیم «حکیم» به کسی گفته می‌شد که بر تمام علوم زمان خود از جمله ریاضی، فلسفه، ادبیات، نجوم و البته طب تسلط داشته باشد و مطابق تعریف جالینوس از طبیب: «طبیب کسی است که در او همه فضائل کامل باشد و فضائل علمی او بالنسبت که احاطه به ریاضیات و طبیعیات و

الهیات و طب داشته، آراسته به اعمال صالح و محاسن اخلاقی باشد» (۱۰).

همچنین در لغتنامه دهخدا واژه «حکیم» چنین معنی شده است: دانا (غیاث)، فرزانه (مفاتیح العلوم) (فرهنگ اسدی)، فرزانه خردپژوه، داننده خردمند، دانشمند.

مطابق با تعاریف ارائه شده و آنچه به طور مستند در دسترس است نام اغلب شعرا و نویسندگان در گستره پهناور زبان و ادبیات فارسی با لقب حکیم قرین است؛ چراکه «شاعران و نویسندگان پیوسته به موضوع طب اهمیت داده و در متون ادب فارسی از دو جنبه روانی و جسمانی با زبان قلم و با کمال دقت به علم پزشکی پرداخته‌اند» (۱۱).

در رابطه با جایگاه ارزشمند دانش پزشکی همین بس که پیامبر (ص) فرمودند: «العلم علمان علم الادیان و علم الابدان» (۱۲). فرهیختگان و حکما در عرصه طب، دانش پزشکی را با مفاهیم عمیق و سرشار آداب اسلامی در آمیخته و در بیان مضامین آن، قداست خاصی به این حرفه بخشیده‌اند (۱۳).

قداست، این حرفه مقدس را همراه با معرفت دینی تقدیس کرده تا طبابت و عبادت توأمان گردد. همچنین پزشک در جامعه اسلامی جایگاه رفیع و با ارزشی دارد و در گفتار بزرگان دین، این حرفه و صاحبان آن ستوده شده‌اند.

علم پزشکی در متون ادب فارسی نیز از تقدس ویژه‌ای برخوردار بوده است. در در این باب، حکیم نظامی گنجوی که خود به دانش پزشکی آگاهی دارد در سفارش به پسرش می‌گوید (۱۴):

|                           |                            |
|---------------------------|----------------------------|
| پیغمبر گفت علم علمان      | علم الادیان و علم الابدان  |
| در ناف دو علم بوی طیب است | وان هر دو فقیه یا طبیب است |
| می‌باش طبیب عیسوی هاش     | اما نه طبیب آدمی کش        |
| می‌باش فقیه طاعت اندوز    | اما نه فقیه حیل آموز       |
| گوهر دو شوی بلند گردی     | پیش همه ارجمند گردی        |

امام صادق (ع) فرموده‌اند: «مردم در کارهای دنیا و آخرت به سه کس نیازمندند که اگر فاقد آنها شدند در زندگی خود مردمی بی‌تدبیر خواهند بود:

- ۱- فقهی دانشمند و پرهیزکار (فقیه عالم ورع)
- ۲- امیر یا فرمانروایی که به فرمانش گردن نهند (امیر خیر مطاع)

- ۳- پزشکی بصیر و مورد اعتماد (طبیب بصیر و ثقة)» (۱۵)

نگاه مقدس به این شاخه از علم در چند مورد خاص قابل بررسی است:

- ۱- ارزش اخروی دانش پزشکی
- ۲- ارتباط پزشکان با خداوند و تأثیر آن در تشخیص و علاج بیماران
- ۳- توکل به خداوند (توسط پزشک، بیمار و همراهان او)
- ۴- داشتن تأیید الهی

۵- داشتن اعتقاد نیکو

۶- توکل بر خدا

این نکات همگی به عنوان زیربنای فکری نویسندگان فارسی‌زبان، در زمینه پزشکی و اخلاق پزشکی مد نظر بوده و در آثارشان مشهود است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- در باب ارزش اخروی دانش پزشکی آمده است:

«پوشیده نماند که علم طب نزد همه خردمندان در تمامی دین‌ها ستوده است و بهترین پزشکان آن است که معالجه بیماران را به جهت توشه آخرت انجام دهد که به ملازمت این سیرت نصیب دنیا هرچه کامل‌تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد» (۱۶).

- درباره توکل به خدا برای پزشکان آمده است:

«این همه سببها است که از بیرون او را از حال به حال می‌گرداند و یار می‌شود با سبب‌های تبه‌کننده که از اندرون اوست و تن او را فراز هم آورده‌اند از آن چنانکه یاد کرده آمد، لاجرم کوشیدن صورت را اندر نگاه داشتن این پیوند اثری نیست پس به ضرورت چیزی بایست که این صورت را یاری دهد از بیرون تا قوت او تمام‌تر باشد و آن علم طب است که ایزد تعالی ارزانی داشته است و هرگاه که ایزد تعالی تقدیر کرده باشد که تنی را این اتفاق نیفتد که صورت با تدبیر طبی یار شود، این پیوند میان مایه‌های آن به تقدیر ایزد دیرتر بماند و چنانکه بماند این تن نیک حال‌تر باشد و تن درست‌تر و اگر بیمار شود از بیماری آسان‌تر و زودتر بیرون آید» (۱۷).

- در باب داشتن تأیید الهی آمده است:

پزشک باید دوستدار حق باشد تا خداوند او را در معالجه انواع امراض صعب‌العلاج راهنمایی کند. پزشک باید اعتقاد داشته باشد که خداوند قادر است او را در تشخیص بیماری بسیار کمک کند:

«طیب تا مؤید نبود به تأیید الهی جیدالحدس (تشخیص نیکو) نبود و هرکه جیدالحدس نبود به معرفت علت (بیماری) نرسد... تا تأیید الهی به استصواب او همراه نبود فکرت مصیب (درست) نتواند بود» (۱۸).

و اگر از درمان عاجز ماند باید به خداوند روی آورد:

«چون طیب منطق داند و حاذق باشد و بداند که کدام تب است زود به معالجت مشغول شود و اگر در شناختن علت درماند به خدای عزوجل بازگردد و از او استعانت خواهد و اگر در علاج فروماند هم به خدای بازگردد و از او مدد خواهد که بازگشت همه بدوست» (۱۹).

### بازتاب اخلاق پزشکی در متون ادب فارسی

همانطور که اشاره شد پزشکی به عنوان شغلی بااهمیت و ارزشمند طرح شده و در حوزه دینی تقدس یافته است. به دلیل

ارتباط تنگاتنگ فرهنگ و آداب و واقعیات زندگی با ادبیات، نفوذ آداب و قوانین این حرفه نیز در ادب فارسی کاملاً مشهود است.

باتوجه به حجم مطالب و تعداد آثاری که در باب پزشکی و اخلاق و اهمیت آن سخن به میان آورده‌اند می‌توان به میزان انعکاس این حرفه در متون ادب فارسی پی برد.

از جمله آثاری که اشاراتی در باب تقدس شغل پزشکی و توصیه‌های اخلاق پزشکی داشته و در کل به بیان این شغل اهتمام ورزیده‌اند، می‌توان به «شاهنامه» فردوسی، «گلستان» سعدی، «قابوسنامه» (اندر تریب علم طلب) اثر قابوس بن وشمگیر، «چهارمقاله» نظامی عروضی، «ذخیره خوارزمشاهی» اثر اسماعیل بن حسن الحسینی الجرجانی، «مثنوی» مولانا، «لیلی و مجنون» از نظامی گنجوی، «تحفه العراقین» خاقانی شروانی، «کلیله و دمنه» نوشته نصراله منشی، «پندنامه» اثر اهواری و «مقامات حمیدی» از حمیدالدین بلخی اشاره کرد.

همچنین در کلام بسیاری از بزرگان همچون: ابوسعید ابوالخیر، ادیب‌الممالک فراهانی، حافظ، ناصر خسرو، اوحدی مراغه‌ای، خواجه کرمانی، امیرمعزی، شیخ بهایی، سنایی، سیف فرغانی، پروین اعتصامی، سلمان ساوجی و دیگر بزرگان ادب فارسی اشاراتی در این باب شده است.

در اینجا به نمونه‌هایی از ویژگی‌های اخلاقی پزشک و اهمیت اخلاق پزشکی در متون فارسی اشاره می‌کنیم:

### - حسن برخورد پزشکان و تأثیر آن در معالجه بیماران

اولین برخورد پزشک و بیمار یکی از حساس‌ترین مراحل معالجه است چراکه پایه موفقیت در امر درمان همان برخورد ابتدایی است. صفاتی از قبیل تواضع، احترام به بیمار، در نظر گرفتن ارزش‌های اخلاقی در خصوص معالجه، اظهار صمیمیت بین بیمار و پزشک باعث می‌شود بیمار اطلاعات کافی در اختیار پزشک قرار دهد و همچنین باعث افزایش اعتماد بیمار به پزشک معالج خواهد شد (۲۰).

### - رازداری

بحث رازداری در سوگندنامه پزشکی آمده است و وجود این مطلب حاکی از آن است که چه میزان رازداری پزشکان در علاج بیماران ثمربخش خواهد بود. در سوگندنامه پزشکان آمده است:

«من سوگند یاد می‌کنم. از خیانت و تضییع حقوق بیماران به طور جدی پرهیز کنم، نسبت به حفظ اسرار آنان جز در مواقع ضرورت شرعی، پابندی کامل داشته باشم. سوگند یاد می‌کنم... بیماران از پا درآمده را دستگیر باشم و راز مریضان را با هیچ کس فاش نسازم» (۲۱).

در سفارش‌های بزرگان ادب فارسی می‌توان نوع نگاه و اندیشه آنان را در باب اخلاق پزشکی بررسی کرد و نتیجه اخلاقی

مورد نظر را بر مبنای آداب و سنن و عقیده شاعران و نویسندگان به دست آورد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

«طیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای اسرار آنها در نزد خود و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید. زیرا بسیاری از بیماران، بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند ولی آن را به طیب می‌گویند. پس طیب باید در کتمان بیماری از خود بیمار هم دقت بیشتری کند» (۲۲).

از طیبی نتوان صحبت دوی دل ریش که نباشد خبر از علت بیمارانش (خواجو)

چون روشنی رسد ز چراغی که مرده است چون درد به شود ز طیبی که مبتلاست (پروین)

رفتم به طیب و گفتم از درد نهان گفتا کز غیر دوست بر بند زبان (ابوسعید ابوالخیر)

### - توجه کامل پزشک به کاستی‌ها و ضعفهای بیمار، اطرافیان و پزشکان دیگر

یکی از آثاری که اخلاق پزشکی در آن به چشم می‌خورد و البته اختصاصاً در باب پزشکی نگارش شده است، «قصص و حکایات المرضی» اثر «ابوبکر محمد زکریای رازی» است. در حقیقت این کتاب، ترجمه فارسی حکایات و تاریخچه‌هایی است که از کتاب «حاوی» رازی باقی مانده است. رازی در این کتاب یادداشت‌های روزانه از کار و عملیات یا گزارش احوال بیماران خود را می‌نویسد و اخلاقیات پزشکی او در همین یادداشتها دیده می‌شود.

برای مثال یکی از ویژگی‌های اخلاقی رازی این بوده است که طریحاً نظر خود را درباره اقدامات بیجای بیمار و اطرافیان او و حتی طبائی که برخلاف اصول عمل می‌کرده‌اند در نوشته‌هایش بیان می‌کند. در تاریخچه هشتم این کتاب، می‌نویسد: «مردی به نام ابوداود... داروئی که با خود همراه داشت به میزان یک وقیه بلکه زیاده‌تر در گوش چکاند. من او را از این کار شدیداً نهی می‌کردم، تا آن که دلتنگ شدم، با این حال او از من قبول ننمود» (۲۳).

### - آگاهی کامل از بیماری و علم اصول طب

در متون مختلف این گزینه را جزء اخلاقیات پزشک ذکر کرده‌اند چرا که از دید بزرگان، از آنجا که پزشک غمخوار و روان‌بخش است و جان و روح بیمار در دست اوست باید که در حذاقت و هوشیاری بکوشد. نمونه‌هایی از این توصیه در شواهد زیر دیده می‌شود:

تو غمخواری، طیبی، کیمیدانی، روان‌بخشی لبث چون عیسی مریم گفتت چون موسی عمران (ادیب الممالک)

به دارو و درمان و کار پزشک

بدان تا نپالود باید سرشک

(فردوسی)

می‌کشی خلق را به بیخردی

چه توان کرد چون طیب بدی؟

(اوحدی)

می‌باش طیب عیسوی هش

امان نه طیب آدمی کش

(نظامی)

وین اطبا که خالی‌اند از طب

هیچ نشناخته ز نوبت غب

(سنایی)

ای طیبیان غلط‌گوی چه گویم که شما

نامبارک دم و ناساز دوائید همه

(خاقانی)

«به صواب آن لایق‌تر که بر معالجت مواظبت نمایی و به آن الثفات نکنی که مردمان قدر طیب ندانند لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید آمرزش بر اطلاق مستحکم شود» (۲۴).

پزشک باید علت را خوب بشناسد و پس از دریافتن علت درد، به درمان برسد:

پزشکی که علت به واجب شناخت تواند سبک داروی درد ساخت (فردوسی)

تا شفا یابد از بیماری دل جمله را همچو طب بوعلی درد تو قانون (سیف فرغانی)

حتی او باید «جیدالحدس» باشد؛ یعنی نیکو حدس. به تعبیر دیگر قبل از علاج باید بتواند علت درد را بخوبی حدس بزند. البته برای جید الحدس بودن باید به خدا توکل کند:

«طیب تا مؤید نبود به تأیید الهی جیدالحدس (تشخیص نیکو) نبود و هرکه جیدالحدس نبود به معرفت علت (بیماری) نرسد. تا تأیید الهی به استصواب او همراه نبود فکرت مصیب (درست) نتواند بود» (۲۵).

در قابوسنامه نیز آمده است: «اگر طیب باشی باید که علم اصول طب بدانی چه اقسام عملی و چه اقسام علمی، که طب بر دو قسم است: علم و عمل و علم از کتب زیر طلب کنی: جالینوس، استقصات، المزاج» (۲۶). «معالجت به هیچ حال ابتدا نکن تا نخست آگاه نگردی از وقت بیمار، از وقت علت و عیب علت و مزاج سال و صنعت بیمار» (۲۷).

همچنین اگر پزشک از عمل یا کاری سر رشته ندارد باید بدون پروا آن را متذکر شود. زکریای رازی در نوشته‌های خود از گزارش احوال بیمارانش می‌نویسد:

«گرچه می‌دانم این علاج قطعی نیست، بلکه این شیاف ناصور را خشک و جمع می‌کند، نه آنکه التیام دهد» (۲۸).

## - ارتباط پزشکان با بیماران

نظامی عروضی در باب چهارم رساله چهارمقاله در این مورد آورده است:

«طب صنعتی است که بدان صنعت صحت در بدن انسان نگاه دارند و چون زایل شود باز آرند و بیارایند او را . به پاکی روی و خوشی بوی و گشادگی. طبیب باید که رقیق‌الخلق حکیم‌النفس جید‌الحدس باشد. هر طبیب که شرف نفس انسانی نشناسد رقیق‌الخلق نبود» (۲۹). [منظور از رقیق‌الخلق نرم خوی و مهربانی پزشک در برخورد و ملاقات با بیمار است].

و یا:

پزشک دانا بودی برای این بیمار که چاره همه دردش نکو توانستی

(ادیب الممالک فراهانی)

«معالج باید که وصایای بقراط خوانده باشد تا اندر معالجت شرط امانت و راستی به جای تواند آورد و پیوسته خویشتن پاک و جامه پاک و مطیب دارد و چون بر سر بیمار شود، با بیمار تازه‌رویی و خوش‌سخن باشد و بیمار را دلگرمی دهد که تقویت طبیب بیمار را قوت حرارت غریزی بیفزاید» (۳۰).

دست بیماران گرفتن، بر طبیبان واجب است. (سلمان ساوجی)

اندیشه تو باد طبیبی که بی‌درنگ درد نیاز پیر و جوان را کند دوا (امیر معزی)

هر آن مریض که پند طبیب نپذیرد سزاش تاب و تب روزگار بیمارست (پروین اعتصامی)

## - امانت و درستکاری

رعایت امانت و درستکاری در تمام حرفه‌ها پسندیده است اما در امور پزشکی اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا پزشک با گرامی‌ترین چیزها یعنی جان و سلامت جامعه و ناموس مردم در تماس است. لذا با توجه به آن که پزشک در معرض انحراف و لغزش قرار دارد پیوسته باید در نگهداری صفت پسندیده درستکاری در وجود خویش کوشا باشد.

آنجا که طبیب شد براندیش افزوده شود به دردمندی (پروین اعتصامی)

در دانشنامه میسری نیز آمده است: «اگر پزشک مزاج بیمار را در حال تندرستی مشاهده نکرده باشد قدرت بیماری را از ضعف آن باز نمی‌شناسد و نمی‌تواند چنانکه سزاوار است به درمان بپردازد و نیز پزشک باید از اخلاق بیمار و آرزوهایش در حال تندرستی آگاه باشد تا در بیماری بتواند او را به آنها امیدوار و روحیه او را قوی سازد» (۳۱).

«نخستین چیزی که بر پزشک لازم است اعتقاد او بر صحت امانت است. و نخستین امانت، اعتقاد اوست به این که جهان و مخلوقات را خالقی قادر حکیم است» (۳۲).

حضور پزشکان بر سر بالین بیماران در حکم عیادت از بیمار است. توجه پزشکان و بالانحص ادیبان به موضوع اخلاق پزشکی به سبب سفارش دینی پررنگ‌تر عنوان شده است. مطابق روایات در ثواب عیادت، منظور از عیادت، دیدار مریض است به گونه‌ای که کمکی به وی شود؛ در واقع عیادت مریض بدون یاری رساندن به او در تهیه دارو و علاج بیماری‌اش مصداق عیادت نیست. «بیمار تیمار می‌خواهد (ناتندرست و ناخوش مزاج را پرستار و دارو و خورش باید)

بیمار که تیماردار دارد طبیبش ناخوانده‌آید (ابوحنیفه اسکافی)

بیمار مرد بسکه طبیب او بیگاه کار بست مداوا را (پروین اعتصامی)

طبیبی چون دهد تلخش بنوشد تلخ او طبیبان را نمی‌شاید که عاقل را خوش متهم دارد (مولوی)

گر طبیب حافظی، رنجور را تلخی دهد گرچه ظلمی می‌نماید نیست ظالم، عادلست (مولوی)

سبل گیرد آن دیده از آب شور که دارو ستاند کحال کور (امیر خسرو)

پزشکی که خود باشدش زرد روی از او داروی سرخ مویی مجوی (سعدی)

کی شود هیچ دردمند درست زین طبیبان که زار و بیمارند (ناصر خسرو)

پزشکی که باشد به تن دردمند ز بیمار چون باز دارد گزند (فردوسی)

خاقانی در تحفه العراقرین، ویژگی‌های طبیب روحانی را در چهره خضر پیامبر چنین بیان می‌دارد (۳۳):

|                        |                        |
|------------------------|------------------------|
| نزدیک من از سر ارادت   | نیش به عادت و عیادت    |
| نالای این تن توان دید  | مجروحی روح ناتوان دید  |
| دست کرم نهاد بر سر     | او انزلنا بخواند از بر |
| درد سر من سر زبانش     | برد از دم درد سر نشانش |
| او کرد به کمترین اشارت | دیوار شکسته را عمارت   |

## نتیجه‌گیری

توجه به اهمیت اخلاق پزشکی در متون فارسی و سخن بزرگان، از نمونه‌های مذکور کاملاً آشکار است. چنانکه دیدیم اخلاق طبیب در خلقیات و روحیات او جمع می‌گردد و در این

احشا بر وی نپوشد و آنچه از کتب خوانده باشد به چشم همی ببیند و به معالجت اندر نماند. باید که وصایای بقراط خوانده باشد تا اندر معالجت بیماران شرط امانت و راستی به جای تواند آورد. و پیوسته خویشتن پاک و جامه پاک و مطیب دارد. و چون بر سر بیمار شود با بیمار تازه‌روی و خوش‌سخن باشد و بیمار را دلگرمی دهد که تقویت طبیب بیمار را قوت حرارت غریزی بیفزاید» (۳۴).

باب علاوه بر حسن برخورد با بیمار و اخلاق حسنه‌ای همچون رازداری و امانت و درستکاری، به رابطه متقابل پزشک و بیمار توجه زیادی شده است. چنانکه همه این خلیقات پزشک را در متن زیر از قابوسنامه می‌خوانیم:

«طیب باید که تجربت بسیار کند. باید که خدمت بیمارستان‌ها کرده باشد. بیماران بسیار دیده و معالجت بسیار کرده باشد تا علت‌های غریب بر روی مشکل نشود. و اعدال و اعضا و

## References

- Papkin R, Auvrum S. *The Basics of Philosophy*. 1<sup>st</sup> ed. Translated by: M Minavi. Tehran, Soroush Pub, 1983; PP: 34.
- Farhoud D. A Review of the History of Ethics. *Ethics in Science and Technology Quarterly* 1989; 2(1-2): 1.
- Naghibzadeh M.A.H. *An Introduction to Philosophy*. 3<sup>rd</sup> ed. Tehran, Tahouri Pub, 1996; PP: 76.
- Moradi Ghiasabadi R. *The Charter of the Achaemenian Cyrus*. 4<sup>th</sup> ed. Tehran, Iranian Researches Pub, 2004; PP: 81.
- Crystal R, Pauli S. *The History of East and West Philosophy*. Translated by Kh Jahandari. 2<sup>nd</sup> ed. Tehran, Scientific and Cultural Pub, 1998; PP: 127.
- Saneyee M. *The Philosophy of ethics and Basics of Behavior*. 1<sup>st</sup> ed. Tehran, Soroush Pub, 1998; PP: 65.
- Larijani B. *Physicist and His Ethical Considerations*. 1<sup>st</sup> ed. Tehran, Nashr for Future Pub, 2003; PP: 21.
- Stone J, Alternative and Complementary for Frame Work Ethical. *Anj. New and London Therapies*: York Routledge, 2002; PP: 153.
- Razi A, Samadi B. *Ethics, History and Laws of Medical Career*. Tabriz, Akhtar Pub, 2006; PP: 61.
- Zanjani B. *Encyclopedia of Moyasseri in Medical Sciences*. Islamic Studies Institute, Mc Guill University and Tehran University, 1987; PP: 93.
- Kolahdouzian A. Physicists Tradition in Persian Literature. *Journal of Medicine and Purification* 2002; 55: 1.
- Abu M, Key I. Gobad-ibn-Mozaffar-ibn-Jamasb, Al-Sadegh Medicine, P: 17 in *The History of Ethics in Medicine*, P: 100. Kafi Osoul, Darolkotob Al Eslamieh, vol.1, P: 37. In the explanation of the Saying.
- Kolahdouzian, P: 1.
- Ganjavi Nizami Kh. Leyli & Majnoon on the basis of Scientific-Critical Text of the USSR's Academy of Sciences.
- Mozaffar Abu, Ibn-Key Gobad-ibn-Mozaffar-ibn-Jamasb, Safinat-ol-Bahar, 78; 235. Citing the History of Ethics in Medicine; PP: 127.
- Monshi N, Abol-Maali Kalile and Demneh, edited by Minavi, Mojtaba. Tehran university Press, Section: Borzooyeh the Physicist (1964).
- Jorjani I, Zakhireh Kharazmshahi (edited by Moharreri, Mohammad-Reza). Tehran, Farhangestan Olume Pezeshki Pub, 2001.
- Nizami Arooz Samarghandi, Ahmad-ibn-Omar-ibn-A, Chahar Maghaleh (Four Articles), Ghazvini G, Version (edited by Dr. Moein, Mohammad). Tehran, Tehran University Pub, 1955; PP: 109.
- Nizami Arooz Samarghandi, Ahmad-ibn-Omar-ibn-A, Chahar Maghaleh (Four Articles), Ghazvini G, Version (edited by Dr. Moein, Mohammad). Tehran, Tehran University Pub, 1955; PP:111
- Kolahdouzian, P: 1.
- Nafisi Abu-Torab. Tehran Medical Faculty Oath quoted from "The History of Medicine Ethics".
- Ahvazi. Didactics quoted from "The History of Medicine Ethics, PP: 189".
- Razi Abu-Bakr Mohammad-ibn-Zakarya. "The stories and Anecdotes of the Ills" edited by Dr. Najam\_Abadi, Mahmoud. Tehran, Tehran University Pub, 1964; PP: 24.
- Razi Abu-Bakr Mohammad-ibn-Zakarya. "The stories and Anecdotes of the Ills" edited by Dr. Najam\_Abadi, Mahmoud. Tehran, Tehran University Pub, 1964; PP: 47.
- Kalile and Demneh, edited by Minavi, Mojtaba; Section: Borzooyeh the Physicist, P: 44.
- Nizami Arooz, PP: 109.
- Abol-Maali Keykavous-ibn-Voshmgir, Gaboos-Nameh, PP: 213.
- Abol-Maali Keykavous-ibn-Voshmgir, Gaboos-Nameh, PP: 106.
- Nizami Arooz, PP: 106.
- Abol-Maali Keykavous-ibn-Voshmgir, Gaboos-Nameh, PP: 181.
- Encyclopedia of Moyasseri in Medical Sciences, PP: 29.
- Encyclopedia of Moyasseri in Medical Sciences, PP: 18.
- Khaghani, Tohfat-ol-Aragheen, PP: 56.
- Abol-Maali Keykavous-ibn-Voshmgir, Gaboos-Nameh, PP: 215-216.